

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عربی

بلاغت تکرار در قرآن کریم

پژوهشگر:

ثریا شجاعی

استاد راهنما:

دکتر محسن پیشوایی علوی

استاد مشاور:

دکتر هادی رضوان

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی

اسفند ماه ۱۳۸۸

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،

ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع

این پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه کردستان است.

تعهدنامه

اینجانب ثریا شجاعی. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات عربی دانشگاه کردستان، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی گروه زبان و ادبیات عربی تعهد می‌نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از جایی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید بوده است.

با تقدیم احترام

ثریا شجاعی

۱۳۸۸ / /



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی

عنوان:

بلاغت تکرار در قرآن کریم

پژوهشگر:

ثریا شجاعی

در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۶ توسط کمیته تخصصی و هیات داوران زیر مورد بررسی قرار گرفت و بانمره ۱۹ و درجه عالی به تصویب رسید.

امضاء	مرتبۀ علمی	نام و نام خانوادگی	هیات داوران
:	استادیا	دکتر محسن پیشوایی علوی	۱- استاد راهنما
	استادیار	دکتر هادی رضوان	۲- استاد مشاور
	استادیار	دکتر علی نظری	۳- استاد داور خارجی
	استادیار	دکتر جمیل جعفری	۴- استاد داور داخلی

مهر و امضاء معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی

مهر و امضاء گروه

تقدیم به مادر و پدر و همسر عزیزم

سپاسگزاری و قدردانی

حمد و سپاس خداوندی را که توفیق کسب علم به بنده عطا فرمود و زمینه‌ای برایم فراهم کرد که شناخت عمیق‌تری از قرآن کریم به دست بیاورم. از مادر و پدرم و همسرم که از هیچ کوششی برایم دریغ نکرده‌اند، همچنین از تمامی کسانی که از آغاز مسیر کسب علم تا بدین مرحله مرا یاری و راهنمایی کرده‌اند. در این مرحله نیز از تمامی اساتید گروه عربی، به ویژه جناب آقای دکتر پیشوایی و از جناب آقای دکترهادی رضوان که از راهنمایی و مشاوره‌ی ارزنده‌ی ایشان بهره‌بردم، کمال تشکر و قدردانی را دارم. در پایان از همه‌ی دوستان عزیزم به ویژه خانم سمیه محسنی تشکر می‌نمایم.

چکیده

تکرار یکی از اسلوب‌های بیانی قرآن کریم است که درافاده‌ی مفاهیم و مضامین مورد نظر نقش اساسی دارد. این اسلوب که در قالب تکرار لفظ، آیه، قصه، مثل، مفاهیم و اسلوب بیانی در قرآن کریم نمود یافته، وجوه بلاغی متعددی از جمله تأکید بر مفهوم لفظ و نقش محوری آن در آیه و سوره، یادآوری، تأکید بر هدف سوره، اشاره به مشابهت برخی سوره‌ها با یکدیگر، پند و عبرت آموزی، تفهیم مطلب و تسهیل کردن آن، جلب توجه به اهمیت یک مفهوم و ترسیم رابطه‌ی میان مفاهیم مکرر در کنار یکدیگر و رعایت مقتضای حال در بیان مطالب را در خود گرد آورده و نیز در هدف از ترسیم تصاویر قرآنی و ارتباط صحنه‌های مختلف با یکدیگر، تأثیر ویژه و ملموس دارد.

تشخیص تکرار مفاهیم و اسلوب بیانی در قرآن کریم و نیز تأثیرگذاری تکرار در تصاویر قرآنی از نوآوری‌های این پایان‌نامه به حساب می‌آید.

کلمات کلیدی: تکرار، بلاغت، اسلوب بیانی، قرآن کریم

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	مقدمه.....
	فصل اول (کلیات)
۴	۱-۱- بیان مسأله و سؤال های تحقیق.....
۴	۲-۱- فرضیه ها.....
۴	۳-۱- حدود مرز رویکرد و جامعه‌ی آماری.....
۵	۴-۱- کارکردهای پژوهش.....
۵	۵-۱- روش تجزیه و تحلیل داده ها.....
۵	۶-۱- تعریف واژگان کلیدی.....
۵	۱-۶-۱- بلاغت.....
۹	۱-۶-۲- تکرار.....
	فصل دوم (پیشینه‌ی تحقیق).....
۱۳	پیشینه‌ی تحقیق.....
	فصل سوم (تجزیه و تحلیل).....
۲۲	۳-۱- تکرار در قرآن کریم.....
۲۴	۳-۱-۱- تکرار لفظ.....
۲۸	۳-۱-۱- الف- بلاغت تکرار لفظ.....
۲۸	۳-۱-۱- ب- بلاغت تکرار لفظ در آیه.....
۳۶	۳-۱-۱- پ- بلاغت تکرار لفظ در سوره.....
۳۸	۳-۱-۱- ت- بلاغت تکرار لفظ در دو یا چند سوره.....

۴۰.....	۳-۱-۱-ث - بلاغت تکرار آیات در یک سوره.....
40.....	۳-۱-۱-ج - بلاغت تکرار آیات پشت سرهم.....
42.....	۳-۱-۱-چ - بلاغت تکرار آیات با فاصله و به تعداد کم.....
43.....	۳-۱-۱-ح - بلاغت تکرار آیات به تعداد زیاد.....
47.....	۳-۱-۱-خ - بلاغت تکرار آیه در دو یا چندسوره.....
52.....	۳-۱-۲-تکرار قصه.....
55.....	۳-۱-۲-الف- بلاغت تکرار قصه.....
57.....	۳-۱-۳-تکرار مثل.....
59.....	۳-۱-۳-الف- بلاغت تکرار مثل.....
61.....	۳-۱-۴-تکرار مفاهیم.....
66.....	۳-۱-۴-الف- بلاغت تکرار مفاهیم.....
67.....	۳-۱-۵-تکرار اسلوب.....
69.....	۳-۱-۵-الف- بلاغت تکرار اسلوب گفت و گو.....
70.....	۳-۲-تکرار در تصاویر قرآنی.....
.....	فصل چهارم (نتیجه گیری).....
77.....	۴-۱-خاتمه و نتیجه گیری.....
80.....	خلاصه‌ی عربی.....
88.....	فهرست منابع.....

حمد و سپاس خداوند را که توفیقی به بنده عطا فرمود تا بتوانم شناخت عمیق‌تری از قرآن کریم، گنجینه‌ی سعادت و هدایت انسان، به دست بیاورم. از روزی که در رشته‌ی ربان و ادبیات عربی به تحصیل پرداختم و با علم بلاغت آشنا شدم، چگونگی اعجاز بلاغی و ادبی قرآن کریم همواره ذهن مرا به خود مشغول نموده بود و همواره سعی می‌نمودم در این خصوص به دستاوردهای جدید دسترسی پیدا کنم. لذا، با شوق و اشتیاق زیاد به مطالعه‌ی کتاب‌هایی که در ادبیات قرآنی نوشته شده بود، پرداختم و اغلب نوشته‌های ادبیات قدیم و جدید را بررسی نمودم. در این میان بیشترین موضوع ادبی که توجه مرا به خود جلب نمود، تکرار در قرآن کریم و بلاغت آن بود. گاهی از خود می‌پرسیدم، آیا کیفیت و چگونگی تکرار در قرآن کریم مانند تکرار در کتاب‌ها و نوشته‌های ادبی و شاعرانه است یا نه؟، تکرار در قرآن کریم مقوله‌ی دیگری است و در ادبیات و حیانی بر خلاف ادبیات بشری نقش ویژه‌ای ایفا می‌نماید؟.

لذا، از مطالعات اولیه به این نتیجه رسیدم که، تکرار در قرآن کریم قابل مقایسه با تکرار در کلام بشری نبوده و از موارد اعجاز بلاغی آن به شمار می‌رود، و یکی از شیوه‌هایی است که قرآن مجید در راستای هدف خود و رساندن انسان به سعادت بهره برده است .

این شیوه‌ی بیانی همواره مورد توجه مفسران و پژوهشگران قرآنی و محققان ادبی قرار گرفته و دو دیدگاه متفاوت را درباره‌ی این شیوه به بار آورده است. صاحبان دیدگاه اول بر این باورند که اگر کلمه یا آیه و یا قصه‌ای در قرآن کریم دوبار یا بیشتر ذکر شده، معنای آن در بار دوم غیر از معنای اول است و با این استدلال وجود تکرار در قرآن را نفی کرده‌اند . اما صاحبان دیدگاه دوم که اغلب مفسران و پژوهشگران قرآنی هستند، این پدیده را به عنوان یکی از اسلوب‌های بیانی قرآن کریم پذیرفته و آن را

تحلیل و تبیین کرده‌اند. عده‌ای دیگر اصطلاح‌های دیگری مانند «ترداد» و «تصریف القول» (تنوع بیان) را برای این اسلوب در قرآن کریم جایگزین کرده‌اند.

در نتیجه می‌توان گفت که، تکرار در قرآن کریم وجود دارد، اما تکرار شکل است نه معنا و محتوا. اما هدف از انجام این تحقیق نقد و بررسی این دیدگاه‌ها نمی‌باشد، هر چند که در لابلائی مباحث به ضرورت کلام بدان اشاره شده است. هدف ما این بوده که، زیبا شناسی و بلاغت این اسلوب را در قرآن کریم که سرتاسر بلاغت و فصاحت است، مورد مطالعه و تحقیق قرار دهیم، تا گوشه‌ای از جنبه‌های اعجاز ادبی این کتاب آسمانی را بتوانیم درک کنیم.

بنابراین، رویکرد ما در این تحقیق رویکردی صرفاً بلاغی بوده و بر تحلیل و تبیین بلاغت اسلوب تکرار در قرآن کریم تأکید دارد. لازم به ذکر است، که در برخی موارد مطالبی عنوان شده که در راستای اصل موضوع نبوده، اما برای تبیین بهتر مطالب لازم دیدیم که آن را عنوان کنیم.

در تبیین بلاغت انواع تکرار، در بیشتر موارد به ذکر یک یا دو نمونه در خصوص هر یک از انواع اکتفا کردیم. زیرا بررسی همه‌ی آیات و نمونه‌های تکرار در این مجال نمی‌گنجد و از آن‌جا که مخاطب این تحقیق تنها دانشجویان رشته‌ی عربی نیستند، برای سهولت فهم آیات ترجمه‌ی آن را نیز براساس ترجمه‌ی آقای محمد مهدی فولادوند بیان کردیم.

این تحقیق مشتمل بر چهار فصل است: در فصل اول، کلیاتی از قبیل بیان مسأله و سؤال‌های تحقیق و روش انجام آن و تعریف واژگان کلیدی مانند بلاغت و تکرار، ارائه شده است. در فصل دوم، پیشینه‌ی تحقیق در کتاب‌های بلاغی و علوم قرآنی و ادبی بیان شده است. در فصل سوم، اسلوب تکرار در قرآن کریم و انواع آن و نکته‌های بلاغی و علت هر یک از تکرارها تجزیه و تحلیل شده است. در فصل چهارم، نتایج حاصل از تحقیق و خلاصه‌ی آن به عربی ارائه شده است.

فصل اول

کلیات

۱-۱- بیان مسأله و سؤال‌های تحقیق

پدیده‌ی تکراریکی از شیوه‌های بیانی قرآن کریم است که شناختن بعضی از جنبه‌های اعجاز ادبی این کتاب مجید در گرو فهم بلاغت این پدیده و نحوه‌ی کاربرد آن در کلام الهی است. به کار گیری این هنردر قرآن کریم گاهی با شیوه‌ی بیانی معمول و مرسوم عرب مأنوس بوده و گاهی نامأنوس با آن، که در نوع خود از ابداعات و ابتکارات قرآن می‌باشد. از این پدیده متناسب با هدف و موقعیت کلام و نیز فضا و حالات حاکم برگفتار در قالب پند و اندرز و وعد و وعید استفاده به عمل آمده (ابوحاقه، ۱۹۹۶: ۱۱۲)، طوری که نحوه و شکل وقوع آن در دو یا چند موضع از قرآن کریم یکسان نیست.

براین اساس، برای درک بلاغت اسلوب تکرار در کلام خداوند سؤال‌های زیر مطرح می‌گردد:

۱-انواع تکرار در قرآن کریم کدامند؟

۲-اغراض بلاغی تکرار در قرآن کریم کدامند؟

۳-اسلوب تکرار چه نقشی در تصاویر قرآنی دارد؟

۲-۱- فرضیه‌ها

۱- تکرار در قرآن انواع گوناگونی دارد، مانند: تکرار در لفظ و جمله، تکرار قصه و مثل.

۲-اسلوب تکرار در قرآن کریم اغراضی دارد که متناسب با هدف کلام و بلاغت آن است.

۳-اسلوب تکرار در تصاویر قرآنی متناسب با هدف ترسیم تصاویر بوده و نقش اساسی در جلب توجه مخاطب دارد.

۳-۱- حد و مرز رویکرد و جامعه‌ی آماری آن

رویکرد این تحقیق رویکردی صرفاً بلاغی بوده و جامعه‌ی آماری آن، مواضع تکرار در قرآن کریم

و کتاب‌های تفسیری و بلاغی و نیز کتاب‌های ادبی می‌باشد.

۱-۴- کارکردهای پژوهش

۱- این پژوهش می‌تواند به درک این پدیده و ابعاد بلاغی آن در قرآن کریم کمک کند.

۲- این پژوهش می‌تواند در نحوه‌ی استفاده از این اسلوب در نثر و نظم عربی مورد استناد قرار گیرد.

۱-۵- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش این پایان‌نامه کتابخانه‌ای و مبتنی بر توصیف، بررسی و تحلیل داده‌های قرآنی می‌باشد.

۱-۶- تعریف واژگان کلیدی

۱-۶-۱- بلاغت

بلاغت در لغت به معنی رسایی است، و در اصطلاح مقصود از آن این است که، انسان چیزی را که در اعماق وجود خویش دارد، در قالب عبارت و کلام بیان کند، و از ایجاز و اختصار واطاله‌ی کلام بپرهیزد، که هر دو در معنا خلل وارد ساخته و مخاطب را رنجور می‌کنند. جاحظ این تعریف را یکی از زیباترین تعاریف بلاغت عنوان کرده است (جاحظ، بی تا، ج ۱، ۵۴).

اما بلاغت در اصطلاح معانی و بیان، عبارت از ادای معانی با الفاظ زیبا و روان است و همه‌ی پژوهشگران براین امر اتفاق دارند که کلام بلیغ کلامی است که دارای زیبایی و وضوح معنا و فصاحت لفظ باشد و به مقتضای حال مخاطب بیان شود (علوی، ۱۹۹۵: ۶۰-۶۳).

بزرگانی همچون فخررازی، ابن عطیه، جاحظ، قاضی عیاض و مراکشی بلاغت و فصاحت قرآن را یکی از جنبه‌های اعجاز آن دانسته‌اند (حجازی، ۱۳۵۳، ۱۳۰).

مسأله‌ی اعجاز بیانی قرآن کریم از آغاز بعثت برای مسلمانان و غیر مسلمانان مسلم گردید و خطیبان و ادیبان قریش، آن‌زمانی که محمد(ص) قرآن را بر آن‌ها تلاوت می‌کرد دریافتند که هیچ‌عربی

بیان قرآن را ندارد و تا جایی از این نوع بیان متأثر شدند که آن را سحر و جادو و شعر و پیشگویی نام نهادند .

برخی از ادیبان از جمله رمانی بلاغت را بر ده قسم تقسیم کرده اند: ایجاز، تشبیه، استعاره، هماهنگی، فاصله ها، تجانس، تصریف، تضمین، مبالغه و حسن بیان (باقلائی، ۱۱۱۹: ۲۶۲). برخی معتقدند که مشخص کردن جنبه‌های اعجاز بلاغی قرآن کریم مشکل است، اما با بررسی موارد زیر می‌توان به جنبه‌های اعجاز بلاغی قرآن کریم نزدیک شد: الفاظ و حروف، اسلوب، تصریف، نظم و سجع، ایجاز، حکم و امثال، اخبار از غیب و جدل قرآن (ابوزهره، ۱۹۹۸: ۷۲).

با توجه به این که برخی‌ها تصریف را مترادف تکرار به کار برده‌اند، لازم است که این واژه به طور اختصار توضیح داده شود:

تصریف در لغت، به معنی برگرداندن حالت چیزی به حالت دیگر یا تبدیل آن به چیز دیگر است، و تصریف کلام یعنی مشتق شدن یک کلام از کلام دیگر (بستانی، ۱۹۷۷: ۵۰۶). و در اصطلاح به بیان سخن در حالت‌های متفاوت اطلاق می‌گردد .

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که در آن‌ها کلمه‌ای که دلالت بر تصریف دارد به کار رفته است، مانند آیات شریفه‌ی:

«أَنْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ» (انعام: ۴۶)؛ بنگر چگونه آیات خود را گوناگون بیان می‌کنیم سپس آنان روی برمی‌تابند؟

«وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا» (اسراء: ۴۱)؛ و به راستی ما در این قرآن حقائق را گوناگون بیان کردیم تا پند گیرند ولی آنان را جز نفرت نمی‌افزاید.

«وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا» (اسراء: ۸۹)؛ و به راستی در این قرآن برای مردم هر گونه مثلی گوناگون آوردیم، ولی بیشتر مردم جز سرانکار ندارند.

« وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا » (فرقان : ۵۰)؛ و قطعاً آن پندار میان آنان

گوناگون ساختیم تا توجه پیدا کنند، ولی بیشتر مردم جز ناسپاسی نخواستند.

« وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ » (احقاف : ۲۷)؛ و بی‌گمان

همه‌ی شهرهای پیرامون شما را هلاک کرده و آیات خود را گوناگون بیان داشته‌ایم امید که آنان باز گردند.

از این آیات شریفه استنباط می‌شود که، در قرآن کریم گوناگونی وجود دارد. به این معنا که،

مسائلی مانند امر به توحید و تکالیف شرعی را که موجب اصلاح جامعه و ایجاد مدینه‌ی فاضله

می‌شود، به شیوه‌های بیانی متفاوت بیان می‌کند، مانند: تهدید و انذار، بشارت و توبیخ، دعوت به

تأمل در آفرینش هستی و انسان و بیان قصه‌های پیشینیان و عبرت‌ها و الگوهایی که در آنها است.

تصریف در قرآن کریم دو نوع است: یکی در معانی و دیگری در الفاظ و اسلوب‌ها، تصریف در

معانی وقتی است که معنای واحدی در قالب‌های متفاوت و متناسب با سیاق سخن بیان شود. آن

قسمت از قصه‌های قرآن کریم که یک بار در یکی از سوره‌ها ذکر شده و سپس، همان قصه در دو یا

چند سوره‌ی دیگر دوباره ذکر شده و هر بار با نکته‌ها و حکمت‌های پند آموز همراه بوده، از قبیل

تصریف در معانی است (ابوزهره، ۱۹۹۸: ۱۱۵-۱۱۶).

برخی از ادیبان اصطلاح «تردید» یا «ترداد» را مترادف تکرار به کار برده‌اند، مانند آنچه در «البیان

والتبیین» بیان شده است: خداوند متعال قصه‌ی موسی، هود، شعیب، ابراهیم (ع)، بهشت و

جهنم و مسائل زیادی را «تردید» می‌کند، زیرا همه‌ی ملت‌های عرب و عجم را که اکثر آنها غافل و

فراموشکار هستند مورد خطاب قرار می‌دهد. در ادامه افزوده است که، هیچ خطیبی تکرار الفاظ و

ترداد معانی را ناتوانی نمی‌داند (جاحظ، بی تا، ج ۱: ۵۸).

برخی نیز تردید را جزئی از تکرار دانسته و گفته‌اند: تردید یعنی تکرار لفظی که متعلق‌های متفاوتی دارد و این فن یکی از موارد اطناب است (هاشمی، ۱۳۷۹: ۱۴۵). سیوطی در الاتقان در تبیین تردید به این آیه‌ی شریفه استناد کرده: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» (نور: ۳۵)؛ خدا نور آسمان‌ها و زمین است مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه‌ای است. آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خسجته‌ی.. افروخته می‌شود. سپس، گفته است که در این آیه‌ی شریفه چهار بار تردید صورت گرفته و آیه‌ی شریفه‌ی «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (رحمان: ۱۳)؛ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را منکرید؟، اگر چه تکرار شده ولی هریک متعلق به ما قبل خود است (سیوطی، بی تا، ج ۲: ۶۷).

اما یکی از محققان معاصر با استناد به شواهدی از گذشتگان که تکرار را در بعضی از موارد نفی و یا تکرار را در معنای تصریف به کار برده‌اند، و نیز این که تکرار می‌تواند مفید و غیر مفید، زشت و نیکو، فصیح و غیر فصیح باشد، به کار بردن اصطلاح «تصریف القول» را که به معنای تنوع و گوناگونی سخن است، در تبیین و توجیه آیات قرآنی برتر از تکرار دانسته و معتقد است که در آیاتی که در قرآن کریم بر تکرار دلالت دارد لفظ «صَرَفَ» به کار رفته است نه لفظ تکرار (نقراط، ۲۰۰۲: ۳۴-۵۷).

لذا، با استناد به این که در بسیاری از منابع لفظ «صَرَفْنَا» در آیات مذکور تکرار کردن معنا شده، و با توجه به این که موارد نفی تکرار تنها در برخی از آیات است، و تکرارهای قرآن کریم مفید و نیکو و فصیح است، در این تحقیق اصطلاح تکرار برگزیده شده و مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است.

۱-۶-۲- تکرار

تکرار در لغت از ریشه ی «کَرَر تکریراً و تکراراً» به معنای ذکر چند بار و پی در پی چیزی و از ریشه ی «کَرَّ کَروراً و تکراراً» به معنای رجوع و بازگشت به چیزی است و در کلام، به معنای بازگشت به کلام قبلی است (ابن منظور، بی تا، ج ۵ : ۱۳۵. بستانی، ۱۹۷۷: ۷۷۵).

تکرار در حقیقت تأکید و پافشاری بر قسمت مهم عبارت است، که متکلم بیشتر از قسمت‌های دیگر کلام به آن اهمیت می‌دهد. پس، تکرار بر نقطه‌ی حساس عبارت نورافکننده و اهتمام متکلم را به آن می‌رساند. قاعده‌ی اولیه‌ی تکرار این است که، لفظ مکرر مرتبط و هماهنگ با معنای عام عبارت باشد. براین اساس، تکرار لفظی ضعیف که ارتباطی با کلمات و عبارت‌های اطرافش نداشته باشد، و نیز تکرار لفظی که کراهت سمع دارد تکرار مقبول نیست (الملائکه، ۱۹۸۹: ۲۶۴).

مسأله‌ی تکرار در ارائه‌ی اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مشخص، معمولاً به استقرار این اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها و تثبیت آن‌ها در اذهان مردم می‌انجامد. تحقیقات روان‌شناسان جدید اهمیت تکرار را در عمل «یادگیری» ثابت کرده است، تا جایی که شرکت‌های بازرگانی و صنعتی نیز به اهمیت تکرار در تثبیت و جایگزین نمودن یک ایده در اذهان مردم پی برده‌اند و به همین دلیل هزینه‌های زیادی برای تبلیغ‌های بازرگانی صرف می‌کنند، تبلیغاتی که ایده‌ها و افکار مشخصی را به صورت تکراری به مردم عرضه می‌کنند، تادرگرایش‌ها و الگوهای مصرفی آنان تأثیر گذارد و از کالاهای تجاری آن‌ها تبلیغ شود (عرب، ۱۳۶۹ : ۲۱۹).

از زمان‌های گذشته عرب‌ها نیز وقتی می‌خواستند محقق شدن و وقوع چیزی را در خطبه‌هایشان بیان کنند، آن‌را بارها در سخنانشان ذکر می‌کردند تا کلامشان را در ذهن مخاطب تثبیت کنند. یکی از سنت‌های گفتاری آن‌ها تکرار کلام به قصد تأکید و فهم بیشتر مخاطب بوده است (ابن قتیبه، بی تا، ۲۳۴).

قرآن کریم به زبان عربی و براساس سنت گفتاری و نوشتاری عرب‌ها نازل شده است. لذا، از این اسلوب نیز به شکل های گوناگون استفاده کرده است، که در فصل سوم مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. اما برای تبیین جایگاه این اسلوب در قرآن کریم لازم است که جایگاه آن در علم نحو و علم بلاغت بیان شود:

تکرار در علم نحو، ذیل مبحث تأکید مطرح شده است. تأکید تابعی است که شک و احتمال و ابهام را از متبوع خود رفع می کند، و به دو صورت است: لفظی است و معنوی.

لفظی آن است که خود لفظ یا جمله و یا مترادف آن مانند «قَعَدَ و جَلَسَ» تکرار شود. اغراض این نوع تأکید عبارتند از: تأکید لفظ و رفع ابهام آن، تمکین مخاطب، تنبیه و یادآوری، تهدید، ترس افکندن، بزرگداشت و لذت بردن.

معنوی آن است که، با استفاده از الفاظ خاص مانند نفس و کل که ابهام جمله را برطرف می کند، انجام می گیرد (عباس، ۱۹۹۶: ۵۰۳، ۵۲۵)، (دیب، ۱۹۹۳: ۸).

بنابراین، تأکید می تواند با تکرار خود لفظ صورت گیرد و یا در لفظ دیگری که از لحاظ ظاهری با لفظ قبلی متفاوت بوده ولی در معنا با آن یکسان است.

تکرار در علم بلاغت، تحت عنوان «اطناب» و «فصاحت کلام» مطرح شده است. اطناب یعنی زیادی لفظ بر معنا که فایده‌ای داشته باشد، و این حدی است که آن را از تطویل و حشو متمایز می سازد، که هر دو در علم بیان عیب محسوب می شوند (هاشمی، ۱۳۷۹: ۱۴۳).

اطناب انواع زیادی دارد از جمله: ذکر خاص بعد از عام، ذکر عام بعد از خاص، ایضاح بعد از ابهام و تکرار. لازم به ذکر است که در بعضی از منابع دو نوع اول نیز از موارد تکرار محسوب شده است. فصاحت کلام با سلامت آن از شش عیب تحقق می یابد، که یکی از آن کثرت تکرار است.